

در حمایت از انتقاد

چند روز پیش مقاله ای کوتاه و انتقادی از طرف فرهاد شعبانی روی سایت حکا آمد. این مقاله ، انتقادی صریح و بی پروا در خصوص خروج آقای اسانلو از ایران و ظاهر شدنش در معیت شخصی به نام مهدی کوهستانی نژاد و از همه مهمتر محتوای سخنرانی های ایشان بود. این انتقاد دستاویزی شده تا حملاتی به حکا شود. اشخاصی فقط با طرح قسمتهایی که به نظرشان قابل تاخت و تاز تر است سعی در فرستادن فرهاد و حکا به دنبال بحث هایی هستند که ربطی به بحث فرهاد ندارد و فقط انتقاد را با انتقاد جواب دادن معنا می دهد. فرهاد در مقاله اش انتقاد از قائل به سعه صدر داشتن سران حکومت از زبان اسانلو و تبلیغ وی بر اصول 23 و 26 و 27 قانون اساسی و تکیه اسانلو بر این اصول برای احقاق حقوق کارگران را نقد کرده و خواهان جواب او برای این مسایل است.

سوال این است که چرا این قسمت اساسی از نقد فرهاد باید سانسور شود؟ جواب تنها می تواند این باشد که فرهاد با این کار گناهی مرتکب شده و برای اشخاصی تابویی را شکسته که وی را مستوجب مجازات برچسب زدن کرده. فرهاد به عنوان یک فعال کارگری (او در مقاله اش خودش را به این نام میخواند نه عضو رهبری یک حزب) حق دارد تا شخصی را که رهبر قسمتی از یک جنبش کارگری می داند زیر ذره بین نقد بگذارد و نگران حرفهایی باشد که او به عنوان یک رهبر کارگری بر زبان می آورد. رهبر کارگری بودن اسانلو بر زمین قرص و قایم مبارزات رایج کارگران ایران استوار شده و ریشه در شرایط خاص مبارزاتی کارگران ایران در مقطع زمانی این دوره و عینیت سرکوب و مقاومت آنها دارد.

اسانلو نشان داده که رهبر کارگری بودنش را از اتفاقات پالتاک و احزاب اینترنتی کسب نکرده که با خاموش کردن کامپیوتر از صحنه روزگار محو شود و ظهورش نیز موقوف به اتصال بعدی به اینترنت باشد. او همراه با طبقه کارگر ایران دارد زندگی می کند یا بهتر بگویم زجر می کشد. از زندان کشیدن و شکنجه شدن و زبان بریدن و تهدید هر روزه اش به آزار و اذیت هم که همه مطلعیم. به همین دلایل باید از انحراف حفظش کرد. تنها سلاح و حفاظ کمونیستها در چنین شرایطی سلاح نقد است.

رهبران کارگری ما امام و امامزاده های معصوم از گناه نیستند که قرار نیست به کسی حساب پس دهند و تمام اعمال و رفتارشان را بدون چون و چرا قبول کرد و انتقاد از آنها مساوی کفر و مستوجب حکم مجازات باشد. چرا این حکم در هنگام برخورد با احزاب سیاسی مخالف رعایت می شود ولی وقتی که پای رهبران به میان می آید باید به دوران بت پرستی و اطاعت بی چون و چرا برگشت؟ این انتقاد فرهاد خواب کسانی را آشفته کرده که سالهاست اعتقاد به بت سازی و تقلید از نوع چپ بودن را جایگزین روحیه انتقاد و انتقاد از خود کرده اند. در نزد اینان انتقاد از یک رهبر چه کارگری و چه حزبی فقط هنگام انشعاب جایز است و نه حتی قبل از آن. انتقاد فرهاد شعبانی از سخنان اسانلو شجاعت فکری او را در نقد سخنان و رفتار یک رهبر کارگری نشان می دهد که امیدوارم آخرین انتقاد از این دست درمیان ما و دیگر فعالین چپ نباشد.

داود شاه نشین

June 2007